

## رمزگشایی از یک نسخه خطی

مجید آقاخان پورسرخاب\*

### چکیده

موضوع مقاله حاضر درباره رمزگشایی از یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تبریز است. در صفحه آغاز این نسخه [دقایق الحقایق]، پس از ذکر نام کتاب، قسمت‌هایی از سلسله نسب سلطان ولد به صورت رمز نوشته شده است. این مقاله، مراحل و چگونگی خواندن این رمزها را توضیح می‌دهد.

کلیدواژه: دقایق الحقایق، حقایق الدقایق، ابوبکر، سلطان ولد، رمز، رمزگشایی.

در شماره پیاپی ۳۹ فصلنامه آینه میراث، مقاله‌ای از این جانب چاپ شد به نام «دقایق و حقایق درباره حقایق الدقایق»، که درباره یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تبریز، موسوم به حقایق الدقایق بود. به طوری که در آنجا نیز گفته شد، این کتاب همان دقایق الحقایق شیخ احمد رومی (سده‌های ۸-۷ ق) است که اشتباهاً به سلطان ولد، فرزند جلال‌الدین مولوی نسبت داده شده است.<sup>۱</sup>

در صفحه آغاز این نسخه، پس از ذکر عنوان کتاب و نام مؤلف آن، سلسله انساب وی (سلطان ولد) ذکر شده و در ادامه آن، حروفی به صورت رمز نوشته شده است: ... اما بعد، بدانکه این کتاب از تصانیف محمد بن جلال‌الدین رومی این

شهاب‌الدین ولد بن شیخ حسین ابن عطاء بلخی ابن نصرالله

\*. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و کتابدار کتابخانه مرکزی تبریز.

X V I E O → X H A → O → X V → X  
 H → I H H H X V O V H X R A  
 X → H B O V X H B V → H H H X  
 V O V X V I X V = A O B V X V = O A

و تألیف این کتاب شریف مبنی بر هشتاد فصل کرده...<sup>۲</sup>

نگارنده پس از سعی و تلاش بسیار، توانست کلید گشایش این رمزها را از خود نسخه و از حکایتی که در فصل هفتاد و هشتم آن آمده به دست آورد:

در اصحاب رسول صلی الله تعالی علیه و سلم شخصی بود که هفت سال تمام نماز پنج وقت در عقب رسول خدا گزارده [گزارده] بود و پیوسته فخر آوردی که چندین سال است که در عقب رسول خدا پنج وقت نماز به جا می آورم بی فوت. از قضا روزی به مسجد درآمد. دید که رسول الله صلی الله علیه و سلم با آن جماعت امامت کرده است و نماز ظهر گزارده [گزارده] و به خانه رفته. X H H H و دیگر جماعت از اصحابه در مسجد نشسته اند. آن شخص از تأسف فوت نماز جماعت کریمه [گریه] آغاز کرد و کریمه [گریه] از حدّ برود.

X H H H گفت: ای عزیز! این چندین کریمه [گریه] از بهر چیست؟ گفت: از برای آنکه مرا در دل نیت آن بود که چندان که عمر من باشد پنج وقت نماز با رسول خدا گزارم [گزارم]. امروز وقت فوت کرده ام. X H H H گفت: شانزده سال است که در عقب رسول خدا نماز به جماعت گزارم [گزارم]. با این سوز دل و قطره های آب چشم تو می فروشم. آن شخص شاد گشت [گشت] و راضی شد.

X H H H راضی تر گشت [گشت]. در این بیع و شرا بودند که حضرت رسالت پناه صلی الله تعالی علیه و سلم از در مسجد درآمد. X H H H حال را به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عرضه کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: یا X H H H بیع و شرای سودمند کرده ای و نزد خدای تعالی قطره های آب دیده که از ترس خدای متعال باشد و رای هزار ساله عبادت است...<sup>۳</sup>

چنان که می بینیم تعدادی از این حروف رمزی که در مقدمه کتاب به کار رفته در حکایت فوق نیز تکرار شده است. با مراجعه به این داستان در کتاب دقایق الحقایق شیخ احمد رومی، رمز این حروف گشوده شده و معلوم می شود نام «ابوبکر / ابی بکر»، خلیفه اول است که در دو شکل نوشته شده است:

H Λ → O → X      H Λ → م → X  
 الف ب و ت ث د ر      الف ب و ت ث د ر

در هر سه نسخه، که در تصحیح کتاب دقایق الحقایق از آنها استفاده شده، به جای این حروف رمزی، کلمه «ابوبکر» یا «ابوبکر صدیق» نوشته شده است:

... شخصی بود که هفت سال تمام پنج وقت نماز از عقب پیغامبر خدا گزارده بود... از قضا روزی در مسجد آمد. دید که رسول خدا نماز گزارده است و به خانه رفته. ابوبکر و جماعتی دیگر از صحابه در مسجد نشستند... از تأسف فوت نماز گریه آغاز کرد... ابوبکر صدیق گفت که: من شانزده سال است که نماز پنجگانه از عقب رسول خدا می گزارم... به آن سوز و قطره های آب چشم تو می فروشم... درین بیع و شری بودند که پیغمبر از در مسجد درآمد. ابوبکر صدیق حال را به خدمت رسول عرضه گردانید...<sup>۴</sup>

\*\*\*

با مشخص شدن این ۶ حرف و جایگزینی آنها در عبارت رمزی مقدمه نسخه - که از ۲۰ حرف رمزی تشکیل شده است - توانستیم کل عبارت را رمزگشایی کنیم. این ۲۰ حرف عبارت اند از:

X → · · · · · → I · I · I · I · H · H · س · ج · = · E · E · Λ · V · V · م · B · O ·  
 الف ب ت ج د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر      الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر

که در عبارت ذیل به کار رفته اند:

X → V → X → O → Λ → X → H → X → E → I → E → X  
 الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر      الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر  
 B B X → V → V → O → V → X → H → H → I → H → H  
 الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر      الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر  
 X → H → X → B → O → V → X → H → B → V → Λ → H → H → E → X  
 الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر      الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر  
 V → X → V → X → B → = → V → O → B → V → X → I → V → = → O → V  
 الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر      الف ب و ت ث د ر م ی ه و ز ح ط ذ ث د ر

دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۲)

این حروف به شیوه زیر رمزگشایی شده است:

۱. کل عبارت - که از راست به چپ نوشته شده است - ۶۶ حرف رمزی است که با یافتن رمز حروف کلمه «ابو / ابی بکر»، ۳۲ حرف آن خوانده می‌شود.
  ۲. در سطر اول، این رمز: ▽ ، بعد از دو حروف «الف» و «ب»، حرف «ن» را به ذهن متبادر می‌کند: این.
  ۳. در همین سطر با علم به اینکه نام پدر ابوبکر، «ابو / ابی قحافه» است، رمز تعداد دیگری از حروف گشوده می‌شود.
  ۴. در سطر سوم، این رمز: ۴ که نماد حرف «م» است کلمه «ابراهیم» را کامل می‌کند و بدین ترتیب چندین حرف دیگر نیز مشخص می‌شود.
  ۵. در سطر دوم، این رمز: ۱۱ ، نماد حرف «ش» است. بدین ترتیب کلمه «هاشمی» نیز خوانده می‌شود. در همین سطر، این رمز: ۱۱ ، نماد حرف «د» بوده و کلمه «مادرش» و در سطر سوم، کلمه «ادهم» را کامل می‌کند.
  ۶. در سطر سوم، این رمز: ۱۱ ، نماد حرف «و» و رمز: ۱۱ ، نماد حرف «ض» است. بدین ترتیب کلمات «بوده» و «رضوان» نیز خوانده می‌شود.
  ۷. در سطر چهارم، تکرار این رمز: ۷ ، در کنار هم و قرار گرفتن دو «الف» در طرفین آنها، کلمه «الله» را در ذهن تداعی می‌کند.
  ۸. در سطر چهارم، این رمز: ۱۱ ، نماد حرف «ع» از کلمه «علیهم» و رمز: ۱۱ ، نماد حرف «ج» از کلمه «اجمعین» است.
  ۹. در سطر دوم، این رمز: ۱۱ ، نماد حرف «خ» و رمز: ۱۱ ، نماد حرف «ت» بوده و بنابراین، کلمه «دختر» نیز خوانده می‌شود.
- بدین ترتیب عبارت «ابن ابی بکر ابن قحافه هاشمی. مادرش دختر ابراهیم بود. رضوان الله علیهم اجمعین.» از میان این حروف رمزی، ظاهر شده و سلسله نسبی را که در آغاز این نسخه برای سلطان ولد ذکر شده است کامل می‌کند:
- ... محمد بن جلال‌الدین رومی ابن شهاب‌الدین ولد بن شیخ حسین ابن عطاء بلخی ابن نصرالله ابن ابی بکر ابن قحافه هاشمی. مادرش دختر ابراهیم ادهم بود.<sup>۵</sup> رضوان الله علیهم اجمعین.<sup>۶</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. در این باره، نک: «حقایق و دقایق درباره حقایق و الدقایق»، صص ۲۲۶-۲۳۴.
۲. [دقایق‌الحقایق]، نسخه کتابخانه ملی تبریز، ورق ۱.
۳. همان، ورق‌های ۲۱۵-۲۱۶. مولانا نیز در دفتر دوم مثنوی و در اثنا حکایت «بیدار کردن ابلیس، معاویه را...» به این ماجرا اشاره می‌کند، اما در آنجا نامی از ابوبکر برده نمی‌شود:  
آن یکی می‌رفت در مسجد درون      سردم از مسجد همی آمد برون  
گشت پرسان که: جماعت را چه بود      که ز مسجد می‌برون آیند زوده؟  
آن یکی گفتش که: پیغمبر نماز      با جماعت کرد و فارغ شد ز راز  
تو کجا در می‌روی ای مرد خام؟      چونک پیغمبر بداده‌ست السلام  
گفت آه و دود از آن آه شد برون      آه او مسی‌داد از دل بسوی خون  
آن یکی گفتا: بسده آن آه را      وین نماز من تو را بادا عطا  
گفت: دادم آه و پذیرفتم نماز      او سستد آن آه را بسا صد نیاز...  
(آیات ۲۷۷۱-۲۷۷۷)
۴. دقایق‌الحقایق، صص ۵۶۲-۵۶۳.
۵. واضح است که بررسی صحت و سقم این سلسله‌نسب از موضوع این بحث خارج است.
۶. [دقایق‌الحقایق]، نسخه کتابخانه ملی تبریز، ورق ۱.

## منابع

- دقایق‌الحقایق، رومی، احمد، به اهتمام محمدرضا جلالی نائینی و محمد شیروانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴ ش.
- [دقایق‌الحقایق]، [رومی، احمد]، نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره ۳۱۷۵، از مجموعه اهدایی حاج محمد نخجوانی، به خط محمد بن مصطفی مولوی استانبولی، کتابت شده در استانبول، به تاریخ ۱۱۲۲ ه.ق.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین، تصحیح و مقدمه قوام‌الدین خرمشاهی، تهران، ناهید، چ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- «حقایق و دقایق درباره حقایق و الدقایق»، آقاخان پورسرخاب، مجید، آینه میراث، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۸۶ ش.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 كتاب حقايق الدقائق من مؤلفات محمد بن مولانا



هذا كتاب حقايق الدقائق من مؤلفات محمد بن مولانا  
 جلال الدين والحق والارشاد والتقوى والدين محمد  
 روى عليه الترجمة والمغفرة قدس سره  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ  
 عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَوْلَادِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ أَمَا بَعْدُ  
 بِدَانِكُمْ أَيْنَ كِتَابِ أَرْتَصَانِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ جَلَالِ الدِّينِ رَوَى  
 ابْنُ شَهَابِ الدِّينِ وَلِدِ الشَّيْخِ حُسَيْنِ بْنِ عَطَاةِ ابْنِي ابْنِ نَصْرِ  
 X I E O X H M O X V X X  
 H O I H H X V M W X B B  
 X H X B O X H X M X H X  
 V O = V I X V H O V = B X V V X V  
 و تأليف این کتاب شریف مبنی بر هشتاد فصل کرده  
 با کفا

را کتابی در علوم علاج محمد کتبی  
 کتابخانه مجلس شورای اسلامی

صفحة آغاز نسخه [دقائق الحقايق]

نسخه شناسی / رمز گشایی از یک نسخه خطی

و ممکن است که برای طمع مال و غلام و کنیزک باشد و  
 یا خود حلق او را گویند که این مژده اوست درین جمله که  
 ذکر رفت ریاضی کُنْجِدْ اما در کسر بی ریاضی کُنْجِدْ بدلیل  
 آنکه تادل آدمی زاد با آتش اندوه نرسد آن آب دیده او  
 پدید نیاید که اشک خون جگر است که چون آتش بر جگر  
 میزند جگر میسوزد و آب میگردد از دیده بیرون میاید  
 خداوندگار مولانا قدس سره فرماید بدینست

تا جگرها را نسوزاند عبید آب در دیده تجا آید پدید  
 اشک خونت از غم آبی شده کی بگرید چشم کس بر پشه  
 در اصحاب رسول صلی الله تعالی علیه وسلم شخصی بود  
 هفت سال تمام نماز پنج وقت در عقب رسول خدا  
 گزارد بود و پیوسته نماز آوردی که چندین سال است  
 در عقب رسول خدا پنج وقت نماز بجای آورم بی فوت  
 از قضا روزی بمسجد درآمد دید که رسول الله صلی الله  
 علیه وسلم با آن جماعات امامت کرده است و نماز  
 ظهر گزارده و بخانه رفته است که سه تا سه و دیگر  
 جماعت از اصحاب در مسجد نشستند آن شخص

ورق ۲۱۵ از نسخه [دقائق الحقائق]

از تاسف فوت نماز جماعت کریم آغاز کرد و کریم از حد  
ببرد X س که ماه اکفت ای عزیز این چندین کریم  
از بهر حلیست گفت از برای آنکه وارد دل نیت آن بود  
چندانکه عمر من باشد پنج وقت نماز بار رسول خدا گذارم  
امروز وقت فوت کرده ام X س ۵۰ س ماه اکفت  
شانزده سالست که در عقب رسول خدا نماز جماعت  
کنارم با این سوز دل و قطرهای چشم تو میفر و شتم آن  
شخص شاد گشت و راضی شد و X س ۵۰ س ماه اراضی  
تر گشت درین بیع و شرا بود ند که حضرت رسالت پناه  
صلی الله تعالی علیه وسلم از در مسجد درآمد X س که  
ماه حال را بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عرضه کرد  
رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت یا X س که ماه  
بیع و شرای سود مند کرده و نزد خدای تعالی قطره آب  
دیده که از ترس خدای متعال باشد و رای هزار ساله  
عبادتت مولانا قدس ستره فرماید سه بیست  
افضل اعمال اشک دیده است ای خنک آه دیده باشی دیده است  
آنکه دیده گواه خداست بر اقرار حج و نماز و نیت کنان  
و

نسخه شناسی / رمز گشایی از یک نسخه خطی

ورق ۲۱۶ از نسخه [دقایق الحقایق]





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښکې  
پرتال جامع علومو انسانی